

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یادداشت:

خواننده عزیز!

ما ضمن سپاس از همکار گرامی ما آقای "کاظمی" به خاطر همکاری مداوم شان، نشر نوشته ارسالی فعلی شان را بیشتر بدان خاطر اولویت دادیم که درسی باشد برای آنها. هنوز هم فکر می کنند، اشغال می تواند یک کشور را آباد و بی نیاز بسازد. امید است این گونه افراد با مطالعه مطلب حاضر اندکی تکان خورده و اگر چیزی به نام وجدان نزد آنها وجود داشته باشد، آن وجدان بیدار شده و بیش از این برای اشغال کشور خودشان تئوری بافی ننمایند. تئوری بافی که به جز ننگ و نفرین تاریخ چیز دیگری برای آنها به ارمغان نخواهد آورد.

با عرض حرمت

اداره پورتال AA-AA

فرستنده: علی کاظمی
۱۰/۱۲/۳۰

دیدگاه‌ها:

اشغال عراق و نقش نیروهای اجتماعی

یک بار دیگر تحریم‌های اقتصادی شدیدتر علیه ایران تصویب و در حال اجرا است و اخبار احتمال حمله نظامی، در سرتیتر خبرگزاری‌های جهانی جای گرفته است، آن هم به بهانه مسأله اتمی. وضعیت کنونی ایران را شاید بتوان تا حدودی با شرایط جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ و در ادامه آن، اشغال عراق در سال ۲۰۰۳، مقایسه کرد که منجر به ایجاد جهنمی خانمان‌سوز برای مردم عراق شد. پشت اعمال تشدید تحریم‌ها و حمله به ایران، ما شاهد همان روندها هستیم و در این میان تنها محافل جنگ طلب در ایران و غرب از چنین وضعیتی استفاده کرده و قهرمانان بازار سیاه به ثروت اندوزی می‌پردازند.

از آنجائی که مردم، کارگران و زحمتکش‌ان، در صف مقدم این فجایع قرار دارند، نگاهی اجمالی به شرایط و وضعیت مردم عراق، قبل و پس از جنگ و اشغال آن کشور توسط امریکا و متحدانش و مشکلات آنان، بسیار آموزنده خواهد بود.

کانون مدافعان حقوق کارگر

اشغال عراق و نقش نیروهای اجتماعی

علیرضا تقفی

عراق قبل از اشغال

عراق تا دهه هشتاد میلادی دومین تولیدکننده نفت در دنیا بود و از لحاظ اقتصادی و فرهنگی در صدر کشورهای عربی قرار داشت.

بحران اقتصادی ناشی از کاهش قیمت نفت در اوایل دهه ۱۹۸۰ سبب شد که مانند بسیاری از کشورها، برای عراق نیز مشکلات جدی اقتصادی ایجاد شود. حمله به ایران در اواسط دهه ۸۰ نه تنها سبب کاهش بحران داخلی عراق نشد بلکه همراه با سقوط قیمت نفت و بن‌بست همه‌جانبه اقتصادی کشور عراق و بدهی‌های صدها میلیارد دلاری، دولت عراق را وادار کرد که برای شکستن این بن‌بست دست به یک حمله دیگر بزند. دولت عراق دیگر نمی‌توانست حداقل مخارج مزدبگیران و هم‌چنین هزینه‌های سنگین نظامیان را تأمین کند و نارضایتی عمومی در حال افزایش بود. مردم استبداد زده عراق خواهان آزادی‌های اجتماعی بیشتری بودند و هر روز مبارزه برای آزادی در عراق ابعاد وسیع‌تری می‌یافت. اما ماشین جنگی این کشور که در جریان جنگ با ایران گسترش یافته بود سر توقف نداشت و به دنبال ماجراجویی می‌گشت تا هزینه‌های سنگین خود را تأمین کند.

حمله عراق به کویت شرایطی را به وجود آورد که آمریکا و متحدانش در ابتدای پایان جنگ سرد، قدرت بلامنازعشان را نشان دهند. آنها با اعزام ده‌ها هزار نیرو به عربستان و فرستادن ناوهای هواپیما بر، منطقه را به دژی جنگی تبدیل کردند. شاید از همین رو است که گفته می‌شود این حمله با چراغ سبز آمریکا صورت گرفت تا بهانه‌ای برای اشغال نظامی منطقه باشد؛ زیرا از یک سو سرمایه‌داری نیز برای حل بحران‌های شدیدش نیاز به جنگ داشت و عراق گزینه مناسبی بود، از سوی دیگر امنیت نفت و صدور آن به غرب برای آنها اهمیت بسیار داشت، همچنین باید از رادیکال شدن فضای منطقه و رشد نیروهای انقلابی و ضد سرمایه‌داری پیشگیری می‌شد. بحران سرمایه‌داری با ایجاد جنگ‌های سراسری و منطقه‌ای و ایجاد ویرانه‌هایی تخفیف می‌یابد که نیاز به بازسازی دارند. در این صورت است که بازارهای جدیدی برای سرمایه‌گذاری فراهم می‌شود و به قول روزنامه‌نگاری در کنفرانس «بازسازی عراق: «بهترین زمان برای سرمایه‌گذاری، هنگامی است که خون بر روی زمین است.» (۱)

عراق برای اشغالگران آزمایشگاهی بود که در آن سلاح‌های جدید امتحان شود و تئوری‌های جدید اقتصادی در کشور پاکسازی شده، اجراء شود. تئوری‌هایی که می‌خواهند در سرزمینی سوخته و ویران شده، جامعه‌ای بر مبنای اقتصاد کاملاً آزاد سرمایه‌داری پایه‌ریزی کنند.

عراق کشوری بود که زمان زیادی در برابر کشیده شدن به بازارهای جهانی بر مبنای سرمایه‌داری برنامه‌ریزی شده‌ی میل‌تون فریدمن (۲) مقاومت کرده بود. پس از تغییرات پیروزمندانه آمریکا و متحدانش، در آمریکای لاتین و اروپای شرقی و به خصوص یوگسلاوی که آخرین بازمانده مقاوم در برابر بازار آزاد بود، جهان عرب و خاورمیانه به عنوان جبهه نهایی انتخاب شد. برنامه‌ریزان حمله نظامی را انتخاب کردند و این دلایل را برای توجیه حمله در نزد افکار عمومی طرح نمودند: «پس از فروپاشی بلوک شرق، منطقه خاورمیانه به این دلیل تروریست‌پرور شده که موج بازار آزاد به منطقه وارد نشده است و نمی‌توان اقتصاد بسته خاورمیانه را به روش‌های مسالمت‌آمیز باز کرد» و «کشورهای ثروتمند کویت و عربستان و سایر کشورهای نفت خیز، آن‌چنان با پول نفت تغذیه شده‌اند که نه تنها نیازی به وام‌های صندوق بین‌المللی پول و سایر بانک‌ها ندارند، بلکه وام هم می‌دهند و خارج از نفوذ صندوق

بین‌المللی پول هستند.؟!؟! این جملات یکی پس از دیگری مطالبی است که برنامه ریزان حمله به عراق به مناسبت‌های گوناگون بر زبان رانده‌اند.

اما تمام خاورمیانه که نمی‌توانست به یکباره فتح شود؛ پس لازم بود کشوری به عنوان نمونه انتخاب شود تا الگوی آزمایش‌های مکتب اقتصادی فریدمن قرار گیرد. قبل از حمله به عراق “یک صاحب نظر امور شرکتهای بزرگ یک «سونامی» طوفانی را در جهان اسلام پیش بینی کرد که در تهران و بغداد به وجود می‌آید” و یکی از مشاوران حکومت بوش “این جنگ را بازسازی جهان” اعلام کرد. (میشل لدین تئوریسین محافظه کار و مشاور بوش)

مدافعان دروغین حقوق بشر و قوانین بین‌المللی، بدون هیچگونه مذاکره و به بهانه‌های وجود سلاح‌های کشتار جمعی، مُبلغِ راحل نظامی برای خاتمه دادن به بحران خلیج فارس شدند. بحرانی که در سال ۲۰۰۳ و با حمله دوباره خود را نشان داد. به قول یکی از نظریه پردازان اشغال: هدف بازسازی عراق نبود، بلکه ایجاد کشوری جدید با معیارهای جدید جهانی بود. بمباران‌های اولی عراق با هدف نابودی مراکز اقتصادی و ستراتیژیک صورت می‌گرفت و به گونه‌ای طراحی شده بود که بتوان کشور جدیدی بر ویرانه‌های کشور قبلی ساخت. برای نمونه در سال ۱۹۹۱ سیصد موشک کروز (تام هواک) در ۵ هفته بر روی عراق ریخته شد ولی در سال ۲۰۰۳ بیش از سیصد و هشتاد موشک در یک روز شلیک شد. در فاصله ۲۰ مارچ تا دوم می ۲۰۰۳ یعنی روزهای اولی تهاجم، ایالات متحده بیش از ۳۰ بمب بر روی عراق ریخت و همچنین ۲۰ هزار موشک هدایت شونده دقیق شلیک شد، که ۶۷ درصد از مجموع آنچه را شامل می‌شد که تا کنون ساخته شده بود. (۳)

این بمباران‌ها زیربنای ساختاری عراق را هدف گرفته بودند و سیستم مخابرات، انرژی، آب آشامیدنی، راه‌ها و جاده‌ها، و تمام مراکز حیاتی را در بر می‌گرفت. زیرا تمام اینها می‌باید دوباره به دست شرکت‌های چند ملیتی ساخته شود. آنها تمام تلاش خود را کردند که فقط منابع نفت عراق را سالم به دست آورند.

هنگامی که ارتش امریکا وارد بغداد شد، یک کلینک بزرگ قلب در آنجا وجود داشت که با وجود محاصره اقتصادی عراق، هر روز ۸ عمل جراحی قلب در آن انجام می‌شد و حتا از سایر کشورهای عربی هم برای جراحی قلب به آنجا می‌آمدند. عمر القبیبی (یکی از هزاران پزشکی که اکنون عراق را ترک کرده است) ریاست آن کلینک قلب را برعهده داشت. وی درمورد تخریب بیمارستان چنین می‌گوید:

“بیمارستان در مقابل موزه ملی قرار داشت. در ۹ و ۱۰ اپریل ۲۰۰۳ در حالی که سربازان امریکائی در برابر موزه ملی و بیمارستان ایستاده بودند در برابر چشمانمان ابتداء موزه و سپس بیمارستان غارت شد و سربازان امریکائی کوچکترین واکنشی نشان ندادند. من کوشش کردم با سیم خاردار و گذاشتن ماشین‌های سنگین در مقابل ورودی بیمارستان جلوی غارت را بگیرم اما واحدهای زرهی امریکائی این سنگربندی‌ها را ویران کردند تا هرکس که بخواهد بتواند به داخل بیمارستان برود؛ از بین بردن موزه و بیمارستان از طرف نیروهای امریکا عمدی بود. او می‌گوید من گریه می‌کردم و با اصرار از امریکائی‌ها می‌پرسیدم که اینجا بیمارستان است، چرا اجازه می‌دهید که ویران شود؟ پاسخ این بود که نگران نباش! امریکا کمک خواهد کرد که بیمارستان بهتری بسازد.

آموزش و پرورش نیز به کمپانی‌های آموزشی خصوصی واگذار شد تا دوره‌های درسی پس از صدام را آماده کنند. کتاب‌های جدید را چاپ کردند. شرکت‌های مشاوره آموزشی که در واشنگتن پایه‌گذاری شده بودند بیش از صد میلیون دلار قرارداد دریافت کردند.

آنها دانشگاه‌های بغداد را هم خراب کردند و در جلوی چشم سربازان امریکائی اجازه غارت وسایل آن را دادند تا دانشگاه‌هایی بر مبنای جدید و با سیستم آموزشی جدید بسازند. جان اگوستو مسوول بازسازی آموزش عالی در عراق و همکار پل برمر می‌گوید: “بازسازی سیستم آموزشی عراق از بنیان ... اگر ماموریت ما ایجاد یک کشور جدید دیگر است، چنانکه عده‌ای مشخصا به آن اعتقاد دارند، پس هر چیز باقیمانده از کشور قدیمی باید دور ریخته شود.” او توضیح می‌دهد که هر چند هیچ چیز در باره عراق نمی‌دانست، اما از خواندن هر کتابی در باره کشور عراق، قبل از آنکه آن را پاکسازی کنند، امتناع کرده است با این دلیل “که می‌خواستم با یک ذهن پاک و خالی به عراق برسم”.

اما اگر او یک یا دو کتاب در باره عراق می‌خواند ممکن بود بفهمد که عراق یکی از بهترین سیستم‌های تعلیم و تربیت را در خاورمیانه و بالاترین نرخ باسوادان را در کشورهای عربی داشته است. (در ۱۹۸۵ در صد باسوادها در عراق به ۸۹ درصد می‌رسید).

پل برمر می‌گوید: وقتی به بغداد رسید همه چراغ‌ها خاموش بود. هیچ ترافیکی نبود. تمام فعالیت‌های اقتصادی کاملاً متوقف بود. در چنین شرایطی حرکت سریع برای باز کردن مرزهای کشور و واردات نامحدود و بدون تعرفه، مالیات، گمرک و بازرسی ضروری بود. او می‌گوید: دو هفته پس از رسیدنش به عراق، کشور برای دادوستد آزاد شد و از آن پس کشور ۲۵ میلیونی عراق مکانی شد که تمامی آرزوی انحصارات می‌توانست عملی شود: دولت بسیار مجاله شده، کشوری ناامن، مردمی شوک‌زده و درگیر حفظ زندگی و تأمین ابتدائی‌ترین نیازها، دروازه بسیار باز بدون محافظ و نیروی انسانی آماده برای هر نوع کاری، نه تعرفه‌ای وجود دارد، نه مالیاتی و نه مالکیت قانونی.

یک ماه پس از آنکه برمر مسئولیتش را آغاز کرد، دستور داد ۲۰۰ شرکت دولتی عراق خصوصی شوند، شرکت‌هایی که در جریان تحریم، کالاهای اساسی را تولید می‌کردند. سپس فرامین جدیدی به صحنه آمد تا فراخوانی برای سرمایه‌گذاری خارجی باشد و سرمایه‌های خارجی سهم خود را از مزایده خصوصی‌سازی بگیرند. کارخانه‌های جدید را بسازند و سود فروش کالاها را در عراق از آن خود کنند. برمر قوانینی را گذراند که به سرمایه‌داران خصوصی اجازه می‌داد صد درصد سهام کارخانه‌ها را داشته باشند. مالیات سرمایه‌گذاری‌ها را از ۲۵ به ۱۵ درصد کاهش داد. هم چنین سرمایه‌گذاران می‌توانستند صد درصد سود خود را از عراق خارج کنند. یعنی همان آزادی غارت مطلق برای سرمایه‌داران. به فرمان برمر بیست میلیارد دلار از درآمد نفت عراق در اختیار فرماندهان اشغالگر قرار گرفت تا هر گونه که صلاح بدانند خرج کنند.

پل برمر برنامه‌های خصوصی‌سازی را تا آنجا ادامه داد که طرح تقسیم پول نفت هر منطقه را به صورت نقدی میان اهالی همان منطقه ارائه کرد (این پیشنهاد بعداً به صورتی در قانون پیشنهادی نفت عراق گنجانده شده است). خصوصی‌سازی آن‌چنان در عراق پیشرفت کرد که شغل ساختن دموکراسی محلی به کمپانی کارولینای شمالی واگذار شد که بر مبنای نهاد تحقیقات سه جانبه بین‌المللی (RTI) پایه‌گذاری شده بود و برای این منظور قراردادی به مبلغ ۴۶۶ میلیون دلار بسته شد. رهبری این کمپانی در دست افراد کلیسای مورمون بود ... آنها پس از آنکه کمک کردند تا چند حزب اسلامی در چند شهر بتوانند قدرت را به صورت “دموکراتیک”!! به دست آورند، کشور را ترک کردند. بدین ترتیب بود که یازده ماه پس از تهاجم به عراق، طبق تحقیق دانشگاه آکسفورد تنها ۲۱ درصد مردم عراق با حکومت اسلامی موافق بودند و تنها ۱۴ درصد، سیاست‌مداران مذهبی را ترجیح می‌دادند، اما

شش ماه بعد که خشونت‌ها بالا گرفته بود، بر طبق یک تحقیق دیگر از همان دانشگاه، ۷۰ درصد از عراقی‌ها خواهان قوانین اسلامی به عنوان پایه حکومت بودند.

اما در این میان چه بر سر مردم عراق آمد و بر روی زمین‌های صاف و سرزمین سوخته که بر مبنای تئوری‌های جدید باید جامعه‌ای جدید ساخته شود، چه جامعه‌ای بنا شد؟

وضعیت عراق هشت سال پس از اشغال

عراق حتا در دهه نود که از سوی سازمان ملل با تحریم‌های گسترده‌ای، مانند “نفت در برابر غذا” روبرو بود، نیز شرایط بهتری نسبت به حال حاضر داشت. فقط نگاهی کوتاه به نرخ بیکاری، آموزش و پرورش، بهداشت و امنیت در هشت سال اشغال، اوج فاجعه را نشان می‌دهد. خانه‌نشینی زنان، آوارگی و بی‌خانمانی، گدائی و تن‌فروشی و کشتار ملیون‌ها انسان را چه کسانی باید پاسخ دهند؟ بیکاری، آوارگی، بسیار برجسته است.

اقتصاد عراق از میان ۱۸۳ کشور جهان در رتبه ۱۵۷ برای شروع سرمایه‌گذاری قرار دارد. (۴)

قبل از اشغال نزدیک به بیست درصد اقتصاد عراق در زمینه کشاورزی بود و محصولاتی نظیر برنج، پنبه، گندم، یونجه و بسیاری از میوه‌ها تولید می‌شد، درحالی‌که امروز محصولات کشاورزی در حد بسیار پائینی تولید می‌شود. از سال ۲۰۰۳ تا به حال هر روز بخش غیررسمی و قاچاق اقتصاد افزایش داشته که در حال حاضر ۶۵ درصد تولید ناخالص ملی اقتصاد و ۸۰ درصد نیروی کار عراق را در برمی‌گیرد. این نشان از نابودی صنایع و تمام زیرساخت‌های اقتصادی پیشرفته در عراق دارد. (۵) عراق روزانه بیش از ۲ میلیون بشکه نفت تولید می‌کند و با ذخایر ۱۱۵ میلیارد بشکه‌ای خود بعد از عربستان و ایران سومین ذخایر عظیم نفتی را در اختیار دارد. درآمد نفتی عراق در سال گذشته بالغ بر ۳۶ میلیارد دلار بود. پس از اشغال عراق توسط نیروهای امریکائی بحران‌های فزاینده در این کشور تشدید شده که ناشی از ناامنی‌های پس از اشغال نظامی و سیاست‌های دیکته‌شده امریکاست. گزارش‌های بسیاری از شرایط دهشتناک زندگی در عراق منتشر شده است که در زیر به مختصری از آنها اشاره می‌کنیم:

سازمان ملل متحد در تازمترین گزارش خود چنین آورده است: یک چهارم مردم عراق زیر خط فقر زندگی می‌کنند و درآمد روزانه کمتر از دو دلار دارند. عراق دومین کشوری است که بیشترین مرگ و میر نوزادان را دارد. میزان مرگ و میر نوزادان در عراق ۴۱ نوزاد در هر هزار تولد در این کشور است. تحریم‌های اقتصادی باعث مرگ بیش از ۵۰۰ / ۰۰۰ کودک در عراق شده است. ۲۲۰ هزار کودکان آواره در داخل و خارج عراق در سنین تحصیل در مقطع ابتدائی قرار دارند. سازمان “صدای کودکان” با استناد به تحقیقات بین‌المللی تأکید کرده است: بیش از یک میلیون کودک عراقی وارد بازار کار شدند در حالی که اکثر آنها در معرض خشونت و تجاوز جنسی قرار دارند. تعداد کودکان یتیم در عراق به ۵ میلیون تن می‌رسد که یک سوم این کودکان در سال ۲۰۰۸ نتوانستند ادامه تحصیل بدهند. در حالی که ۷۶۰ هزار کودک نیز به طور کل اصلا مدرسه نرفتند و از هر ۸ کودک یک کودک آواره است. دو میلیون کودک عراقی از سوءتغذیه و نبود آموزش رنج می‌برند. هزاران تن نیز مورد تجاوز و سوء استفاده جنسی قرار می‌گیرند، ۱۳۰۰ کودک نیز در زندان‌ها و بازداشت‌گاه‌های دولتی به سر می‌برند و فقط در بغداد ۱۱ هزار کودک معتادند. (۶)

وضعیت زنان بهتر از کودکان نیست.

با کاهش شاخص‌های بهداشتی در اثر جنگ و تحریم و اثرات کاربرد سلاح‌های شیمیائی توسط صدام و استفاده نیروهای امریکائی از بمب‌های حاوی اورانیوم ضعیف شده (۱۴۲ هزار و ۲۵۴ تن از این نوع بمب در حملات

۱۹۹۱ استفاده شد). زنان عراقی، به ویژه در مناطق جنوبی، دچار بیماری‌های جسمی و روانی مانند سرطان، کم خونی، شب‌کور و سوءتغذیه شده‌اند. بیماری‌های روانی و عصبی نظیر افسردگی، اضطراب و اسکیزوفرنی و مشابه آنها در میان زنان و دختران شیوع یافته است. از هر ۱۰۰۰ تولد ۳۷۰ مادر در هنگام زایمان می‌میرند. این رقم در جهان ۲۱ نفر است.

سازمان امریکائی دیده‌بان حقوق بشر اعلام کرد، ناامنی در بغداد و شهرهای دیگر عراق شرایط را برای تجاوز و آدم‌ربائی تسهیل کرده، زنان و نوجوانان از ناامنی می‌ترسند و بسیاری ترجیح می‌دهند که از رفتن به محل کار و تحصیل صرف‌نظر کنند. طبق همین گزارش تنها سه ماه اول اشغال عراق، بنا به اظهار معاون انجمن دولتی عراق در ماه‌های اپریل تا اگست سال ۲۰۰۳ میلادی ۴۰۰ زن در عراق ربوده شده و برخی از آنها کشته شده‌اند. ۲۰ درصد از آنها زیر ۱۸ سال سن داشتند. این ناامنی‌ها باعث شده بود که برخی از زنان با خود اسلحه حمل کنند.

سازمان “آزادی زنان در عراق” معتقد است که اغلب این زنان دزدیده شده و برای روسپی‌گری در خارج از عراق فروخته شده‌اند. براساس گزارش این سازمان ۱۵ درصد زنان عراقی که بر اثر جنگ بیوه شده‌اند از روی ناچاری به دنبال ازدواج موقت یا فحشاء هستند.

فرار کارکنان سیستم درمانی عراق به تندرستی مردم عراق آسیب فراوان زده است. براساس اطلاعات صلیب سرخ جهانی در سال ۱۹۹۰ تعداد ۳۴۰۰۰ نفر پزشک در عراق مشغول به کار بوده‌اند. در سال ۲۰۰۸ تعداد آنان به نصف یعنی به ۱۶۰۰۰ نفر رسید، همچنین تعداد پرستاران. براساس نظر صلیب سرخ جهانی در بیشتر کشورهای جهان در کنار هر پزشک سه پرستار کار می‌کنند اما در عراق هم اکنون تعداد پرستاران ۱۷۰۰۰ نفر است که این تعداد کمی بیشتر از تعداد پزشکان است.

بیشتر بیمارستان‌ها در شهرهای بزرگ با واگذاری به بخش خصوصی و یا شرکت‌های خارجی دوباره‌سازی شده‌اند اما وضعیت در روستاها اسفناک است. کمبود آب سالم، سیستم فاضلاب، جمع‌آوری زباله و تهویه هوا، تندرستی بیماران را به مخاطره انداخته و بیماری‌های عفونی را افزایش داده است، چنانکه تصادف‌های کوچک می‌تواند منجر به مرگ شود. (۷)

شرایط دشوار زندگی، مهاجرت عراقیان را افزایش داده است. بنا به ارزیابی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، به دنبال حمله ایالات متحده و متحدینش به عراق در مارچ ۲۰۰۳ چهار میلیون و هفتصد هزار عراقی یا در داخل کشور نقل مکان کرده و یا به خارج از کشور گریخته‌اند. به گزارش رویترز تعداد پناهندگان عراقی در کشورهای همسایه عراق حدود ۲۰۷ هزار نفر و در سراسر جهان نزدیک به سه میلیون نفر برآورده شده است که از این تعداد فقط ۳۰۰ هزار نفر در انتخابات اخیر عراق شرکت کردند و بقیه همچنان در شوک ناشی از اشغال و بی خانمانی قرار دارند.

اقدام اشغالگران در نابود کردن تأسیسات زیربنائی و بخش صنعتی عراق، نابودی تولید داخلی و مصرفی کردن کشور با ورود بی‌رویه کالاهای خارجی ارزان، از بین بردن ساختار تولیدی و جلوگیری از فعالیت‌های تولیدی قبلی به بهانه “سیستم اقتصادی استالینی”، همچنین، بسته شدن بسیاری از کارگاه‌های کوچک و کارخانه‌های متوسط به دنبال قطع برق و ... دلیل اصلی گسترش رشد بیکاری و فقر در کشور است. بی شک نابودی صنایع عراق موج بزرگی از بیکاری را ایجاد کرده است.

مؤسسه اطلاعات و تجزیه و تحلیل (آی‌ایو)، که برای نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان جهانی کار تحقیق می‌کند، در گزارش مربوط به سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸، (این گزارش در سال ۲۰۰۹ منتشر شده است) نرخ بیکاری را ۱۸ درصد اعلام می‌کند. در صورتی که آمارهای غیررسمی میزان بیکاری را بیش از ۵۰ درصد می‌دانند که نسبت به سال ۲۰۰۳ ده درصد افزایش داشته است. در چند سال گذشته تعداد کارگران زیر ۱۹ سال بیشتر شده است. مشاغل موجود بیشتر در بخش عمومی و خدمات است. کارهای نیمه وقت افزایش یافته و در مقابل کار در بخش تولیدی کم شده است. تمام اینها نشان از حذف تولید داخلی و ایجاد بازار مصرف برای کالاهای خارجی است. البته سرمایه‌گذاران کوچک عراقی نیز گاه می‌توانند فرصت‌هایی برای کار بیابند اما فقط در زمینه‌هایی مانند ایجاد کارگاه‌های آجرپزی، آسفالت و صنایع ساختمانی. اما به دلیل نداشتن سرمایه کافی، در پرداخت دستمزدها همیشه مشکل دارند و وضعیت کارگران‌شان مناسب نیست. کارگران در این بخش‌ها فاقد تشکل هستند.

یکی از مسایل اصلی که این گزارش به آن اشاره می‌کند کاهش کار زنان در جامعه است. زنان ۱۷ درصد نیروی کار را تشکیل می‌دهند که نسبت به دوران قبل از اشغال بسیار کمتر است. به خاطر رشد گرایش‌های مذهبی زنان هر روز از متن جامعه کنار گذاشته می‌شوند و روز به روز از درصد زنان تحصیل‌کرده کم می‌شود تا جایی که امروز بالای ۶۰ درصد زنان از تحصیلات دانشگاهی برخوردار نیستند و زیر ۲۰ درصد زنان شاغل دارای مدارک دیپلم و بالاتر هستند. این آمار مربوط به جامعه‌ای است که روزگاری باسوادترین زنان را در منطقه داشت. فرار مغزها در چند سال گذشته ضربه بسیار شدیدی به اقتصاد عراق زده است. این داستان ساختن کشوری جدید با مردمی جدید و اقتصادی جدید است. (۸)

وجود هزاران بیکار در عراق زمینه خوبی برای رشد گروه‌های مسلح است و از نیروی آنان در جهت گسترش خشونت استفاده می‌شود. جوانان بیکاری که توانائی سیرکردن شکم خود و خانواده‌شان را ندارند در برابر دستمزدهای بالا، پوشاک و غذا به راحتی جذب گروه‌های مسلح می‌شوند.

با وجود آنکه بسیاری از مردم عراق بیکار هستند ولی صاحبان کار از کارگران فیلیپینی، سومالیایی و بنگلادشی استفاده می‌کنند. هیچ آمار رسمی در مورد شمار کارگران خارجی غیرمجاز در عراق وجود ندارد. این کارگران خارجی، عمده از طریق شرکت‌ها و دفاتر کاریابی غیرمجاز عراق استخدام می‌شوند. اکثر آنان با ویزای توریستی به عراق می‌آیند و به محض ورود پاسپورت‌شان توسط کارفرما ضبط می‌شود. بسیاری از آنان با دستمزد ماهیانه‌ای که از ۲۰۰ دلار بیشتر نیست، در رستوران‌ها، هتل‌ها، مراکز تفریحی و بازارهای عراق کار می‌کنند اما بخش عمده این کارگران در بخش پتروشیمی مشغول کار هستند و از دستمزد بالاتری برخوردارند. بهانه استفاده از کارگر مهاجر تخصص آن‌ها اعلام می‌شود، ولی در اصل برای پرداخت حقوق کمتر و عدم پایبندی به ایمنی و قانون کار، کارگران خارجی به کار گرفته می‌شوند، زیرا کارفرماها، که همان شرکت‌های پیمانکار خارجی هستند، می‌توانند بیش از هزار کارگر خارجی را در عرض چند روز از عراق اخراج کنند. کارگران مهاجر فیلیپینی که تعدادشان بالای ۱۵۰۰۰ نفر است در معرض اخراج قرار دارند. این عده به خاطر حداقل دستمزد ۸۰۰ دلار در ماه در عراق زندگی می‌کنند. ۳۰۰۰۰ کارگر نپالی هم در آستانه اخراج قرار دارند. نیویورک تایمز در دسامبر ۲۰۰۷ گزارش مفصلی از اذیت و آزار کارگران مهاجر در عراق چاپ کرد. (۹)

ادامه دارد